



نام کتاب:

The Social Economy: International Perspectives on Economic Solidarity

اقتصاد اجتماعی: دیدگاه‌های بین‌المللی درباره

همکاری اقتصادی

نویسنده: **Ash Amin**

انتشارات: **Zed Books**

این اهداف عبارتند از:

- ۱- تعیین جایگاه مبحث اقتصاد اجتماعی مرتبط با شهرها و بازارها
- ۲- فهم اقتصاد اجتماعی به‌عنوان برون‌داد شرایط محیطی و اجتماعی
- ۳- معرفی و شناسایی نسخه‌های سیاستی عام و جدا کردن آنها از سیاست‌هایی که باید در سطح محلی تعیین شوند. امین^(۱) و پیرس^(۲) در فصل دوم این کتاب، اقتصاد اجتماعی را به‌عنوان فضای فعالیت اقتصادی متمایز از بازارها و شهرها معرفی کرده‌اند. البته آنها در ادامه اشاره می‌کنند که این دو فضا کاملاً از یکدیگر تفکیک نمی‌شوند؛ زیرا اقتصاد اجتماعی با بازار و نیز با شهر در هم آمیخته است، اما به دلیل جنبه‌های اجتماعی آن را از اقتصاد به معنای رایجش جدا می‌کند.

بخش دوم کتاب که شامل سه فصل از پنج فصل کتاب

اقتصاد اجتماعی همچنان به‌عنوان راهکاری مفید برای شکل دادن به زندگی اقتصادی - اجتماعی، مطرح است. به‌همین دلیل، در سال‌های گذشته اندیشمندان اقتصاد شهری تعدادی کتاب به رشته تحریر درآورده‌اند که معروف‌ترین آن اندیشمندان، مک مورتری (Mc Mortry, 2009)، کوارتر (Quarter, 2009)، لیونایس (Lionais, 2010) هستند. در کتاب حاضر، امین تلاش کرده است تا آخرین دستاوردهای بین‌المللی را در این زمینه ارایه کند. اکثر فصل‌های کتاب نثری روان و قابل فهم دارد و برای دانشجویان تمامی مقاطع قابل استفاده است. این کتاب برای سیاست‌گذاران نیز قابل استفاده است؛ زیرا نگاهی مناسب به چارچوب‌های سیاستی گوناگون و حوزه‌های موضوعات متنوع دارد.

در مقدمه، امین سه هدف اصلی کتاب را معرفی می‌کند که عملاً سه بخش اصلی را در این کتاب تشکیل می‌دهند.

است، به شرح پروژه اقتصادی جامعه محلی که گراهام و گیسیون^(۳)، آن را تبیین کرده‌اند، می‌پردازد.

در این پروژه، چگونگی توسعه اجتماعی به کمک روش‌های غیرسنتی، نظیر رایزه، کار داوطلبانه، اهدای کمک و همیاری افراد به تصویر کشیده شده است. گراهام و گیسیون تلاش کردند توسعه اقتصادی را از رشد سرمایه‌ای به سمت رفاه جامعه سوق دهند. آنها فرض کردند که همه فعالیت‌های اقتصادی، شامل تصمیم‌گیری‌های اخلاقی است که (به جای تمرکز صرف بر سود اقتصادی) باید چهار اصل نیاز، مازاد تولید، مصرف و منابع مشترک را مورد توجه قرار دهند.

در ادامه این بخش، جنی کامرون^(۴) با توجه به مباحثی که گراهام و گیسیون مطرح کردند به رایزه نظرات خود پرداخته است. از نظر او اقتصاد اجتماعی بیش از این که به دنبال سود باشد بر مباحثی چون مساوات، عدالت اجتماعی و مباحث محیطی تمرکز می‌کند.

گیسیون نیز با تاکید بر خلق دانش به صورت جمعی و عمل کردن به موازات اقتصاد جامعه، به چهار کسب و کار اجتماعی در فیلیپین اشاره می‌کند که اقتصاد اجتماعی بر شکوفایی آنها تأثیر گذاشته است. هر یک از این کسب و کارها از لحاظ تاریخی، محیط اجتماعی و میزان روابط، فضای متفاوتی با گروه‌های بیرونی هستند و تأثیر انگاره‌های اخلاقی اقتصاد اجتماعی بر آنها به خوبی تشریح شده است. در اینجا، کسب و کار اجتماعی، فضاها را برای تغییر شکل اجتماعی به نمایش می‌گذارد.

در حقیقت، نقطه قوت اقتصاد اجتماعی این است که به جای بهره‌وری بر مدیریت منابع انسانی تأکید می‌شود.

بخش پایانی این کتاب نیز بر تعامل بین سیاست‌گذاری و شرایط منطقه‌ای اقتصاد اجتماعی تأکید می‌کند. در این بخش، نشان داده می‌شود که چگونه کسب و کارها با کمک و حمایت دولت در فضایی رونق می‌گیرند تا بتوانند از خدمات علمی دانشگاه‌ها برخوردار شوند.

از نظر امین، اقتصاد اجتماعی، مجموعه‌ای از واقعیت‌های ناشی از تعامل بین تقاضای بازار، پایداری مالی و نیاز به مباحث اجتماعی و پایداری محیطی است.

باتوجه به این دیدگاه، اقتصاد اجتماعی، مجموعه‌ای متنوع از واقعیت‌های اقتصادی است که اغلب با دیگر اشکال اقتصاد، تعامل داشته یا مشترکاتی با آنها دارد.

حمایت‌های اجتماعی و اداری ملی و منطقه‌ای از اقتصاد اجتماعی محدودیت‌هایی را ایجاد کرده است و نمی‌گذارد اقتصاد اجتماعی آنچه که ذاتاً می‌توانست باشد، گردد. در ادامه، نویسنده مثال‌هایی از شکنندگی اقتصاد اجتماعی در برخی محیط‌ها را رایزه کرده است و نشان می‌دهد که اقتصاد اجتماعی با مفاهیمی نظیر بازار و شهر چگونه تداخل دارد و این موضوع بر موقعیت آن به چه شکل تأثیر می‌گذارد.

امین اعتقاد دارد از نظر سیاست‌گذاری، انتظارات از اقتصاد اجتماعی به شدت متفاوت است. این انتظارات هم توسط اقتصاد اجتماعی محلی، شکل می‌گیرند و هم به آن شکل می‌دهند. او می‌گوید: اقتصاد اجتماعی نمی‌تواند تنها به سیاست عمومی تکیه کند بلکه باید به مجموعه‌ای از حمایت بخش خصوصی، NGOها و دولت متکی باشد.

در این صورت، سرمایه‌گذاری بر اقتصاد اجتماعی می‌تواند به بهبود شرایط بازار و سرمایه کمک کند. از این رو معمولاً به اقتصاد اجتماعی به‌عنوان رهیافتی بالقوه برای تغییر اجتماعی نگاه می‌کنند.

در فصل دوم، جان پیرس^(۵)، اقتصاد اجتماعی را به‌عنوان یک بخش مجزا ولی دارای تعامل و همپوشانی فعالیت اقتصادی، مورد توجه قرار می‌دهد. از نظر او اقتصاد اجتماعی بر پایه اصولی اساسی مانند کار کردن برای محصول مشترک، ارجحیت منابع انسانی، حکمرانی شایسته و مالکیت اجتماعی و استفاده از دارایی‌ها و منافع شکل گرفته است. به عقیده پیرس، دو اصل دیگر نیز وجود دارند که باید به‌عنوان بخشی از اقتصاد اجتماعی مورد پذیرش قرار گیرند: همکاری میان سازمان‌های اقتصاد اجتماعی و حمایتی بودن تصمیم‌سازی‌ها.

به این شکل، کسب و کارهای اجتماعی درون یک شبکه ملی معنا می‌یابند و این حرکت قوام بیشتری پیدا می‌کند. در ادامه نیز مندل^(۶) به تجربیات موفق اقتصاد اجتماعی در کبک کانادا می‌پردازد. بررسی‌های او نشان می‌دهد که سه عامل اساسی دلیل موفقیت کبک بوده است: کسب و کار اجتماعی، محیط سیاسی توانمندساز و رهبری. در طول سه دهه گذشته، هر سه این موارد تقویت شده‌اند. از سوی دیگر، هاسنر^(۷) به تجربه کشور لهستان اشاره می‌کند که در آن اقتصاد اجتماعی ضعیف بوده و امید کمی به رشد آن می‌باشد. در فصل پایانی نیز لاویله^(۸) به ظرفیت‌سازی در حوزه منابع انسانی به‌عنوان عاملی برای تقویت کسب و کار و اقتصاد اجتماعی می‌پردازد. به طور کلی می‌توان گفت که این کتاب به اهداف خود دست یافته است. این کتاب، اقتصاد اجتماعی را به‌عنوان حوزه‌ای مهم از واقعیات اجتماعی معرفی کرده است.

پی‌نوشت:

- 1-Amin
- 2-Pearce
- 3-Gibson & Graham
- 4-Jenny Cameron
- 5-John Pearce
- 6-Mendell
- 7-Hausner
- 8-Laville

منابع:

1-Lionais, D. (2010), "Social Enterprise and Socio- Legal Structure: Constructing Alternative Institutional Spaces for Economic Devilepment" in Fuller, D, A. Jonas, and R. Lee (Eds) Alternative Spaces of Economy, Society and Politics: Interrogation Alterity. London: Ashgate.

2-Mc Mutry, J.J (Ed.), (2009), Living Economics: Canadian Perspectives on the Social Economy, Co-Operatives, and Community Economic Development. Toronto: Emond Montgomery. Quarter, J., L. Mook and A. Armstrong (2009), Understanding the Social Economy: A Canadian Perspective. Toronto: University of Toronto.



نام کتاب:

**Understanding the Social Economy:
A Canadian Perspective**

فهم اقتصاد اجتماعی: یک دیدگاه کانادایی
نویسندگان: جک کوارتر، لوریه موک، آن آرمسترانگ
انتشارات: دانشگاه تورنتو، سال ۲۰۰۹، ۳۴۴ صفحه

ISBN 9780802096456

می دهند. در این فصل، نقش جنبه‌های مختلف زیرساخت‌های عمومی، سیاست‌های دولتی و برنامه‌ها در حمایت از اقتصاد اجتماعی نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

در بخش سوم (فصول ۷ تا ۹)، نویسندگان به مباحث کلیدی مربوط به بازیگران اقتصاد اجتماعی می‌پردازند. طراحی سازمانی، حکمروایی، مالیه اجتماعی، حسابداری اجتماعی و تعهدی از جمله این موارد هستند.

آنچه این کتاب را بی‌نظیر می‌کند، نگاهی نزدیک‌تر به موضوعات مختلف در حوزه سازمان‌های مهم و محرک‌های جامعه مبناست.

در پایگاه اینترنتی ناشر این کتاب می‌توانید اطلاعات تکمیلی مطالعاتی و منابع پیشنهادی و همچنین فایل پاورپوینت‌های کمکی مرتبط با این کتاب را نیز دریافت کنید.

اطلاعات تکمیلی مندرج در این سایت، به‌گونه‌ای تنظیم شده است که راهنمایی‌های لازم را جهت استفاده از این کتاب به‌عنوان یک منبع درسی ارائه کند.

این کتاب به سه بخش تقسیم شده است: مروری بر اقتصاد اجتماعی، توضیح جز به جز ارکانی که اقتصاد اجتماعی را شکل می‌دهند و بخش سوم کتاب نیز به موضوعات مختلفی در حوزه اقتصاد اجتماعی می‌پردازد.

بخش اول این کتاب (فصل اول) چارچوبی واضح برای محتوای کل کتاب فراهم کرده و دیاگرام Venn که مفهومی کاربردی است را به خوبی تشریح می‌کند. این فصل همچنین شامل جزئیات غنی تاریخی است که بستر مناسبی را برای موضوعات فصل‌های بعد فراهم می‌کند. همچنین در این بخش، روابط بین سازمان‌های مرتبط با اقتصاد اجتماعی با بخش خصوصی و بخش عمومی مورد بررسی قرار گرفته است. بسیاری از این روابط، عامل اصلی منحصر به فرد بودن اقتصاد اجتماعی در جامعه کانادا را تبیین می‌کند.

در بخش دوم این کتاب، کوارتر، موک و آرمسترانگ، مثال‌هایی عینی از سازمان‌ها یا نهادهای مرتبط با اقتصاد اجتماعی را برای آشنایی بیشتر با مفاهیم فصل اول ارائه